



دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۴۸ تا ۱۷۷ (مقاله پژوهشی)

## بایسته‌های حقوقی - سیاسی تهدیدات نفوذ خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی و

### تأثیرات آن بر امنیت ملی، منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

دکتر محسن جمشیدی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

دکترای علوم سیاسی (مسائل ایران)، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

یحیی بنی هاشمی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مریم اصغری

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

## چکیده

رژیم صهیونیستی با طرح عادی‌سازی روابط با کشورهای عرب منطقه در قالب پیمان صلح ابراهیم، درصدد فشار بر رقب و دشمن شماره یک خود در منطقه خاورمیانه یعنی جمهوری اسلامی ایران برآمده است. به نظر می‌رسد تلاش اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه‌ی خاورمیانه (محیط پیرامونی ایران) بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه‌ای خود می‌باشد. در این پژوهش از روش کیفی - تفسیری، با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با توجه به همسویی و همگرایی راهبردی - امنیتی اسرائیل در منطقه خاورمیانه با ایالات متحده آمریکا و نظام ارزشی ائتلاف غرب و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم اسرائیل، هرگونه افزایش حضور اسرائیل در محیط امنیتی - پیرامونی ایران به‌انحاء مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای آن به‌حساب می‌آید.

**واژگان کلیدی:** موازنه تهدید، پیمان صلح ابراهیم، امنیت ملی - منطقه‌ای، عمق استراتژیک، محور نفوذ.

## مقدمه

منطقه خاورمیانه از حدود یک قرن پیش و مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، کانون عمده جنگ و بحران بوده و در قرن بیست و یکم نیز با جنگ و ترور مترادف شده است. مناقشه در منطقه در سطوح مختلف همچون مناقشات منطقه‌ای دیرپا، درگیری‌های کوتاه‌مدت درون منطقه‌ای، منازعات داخلی، پدیده‌ی صعودی تروریسم، و جنگ‌های تحمیلی از سوی بازیگران خارجی رخ داده و مناقشات بین دولت‌ها و همین‌طور میان گروه‌های قومی در تمام سطوح وجود داشته است. مناقشات منطقه‌ای به شکل عمده متأثر از مناقشه‌ی اعراب-اسرائیل بوده و این نزاع برای دهه‌ها بر فضای سیاسی خاورمیانه سیطره داشته است (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۶). این منطقه به عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می‌شود و از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه قدرت جهانی است که دارای منابع عظیم متفاوتی نیز هست. خاورمیانه به عنوان قلب اوراسیا از لحاظ ژئوپلیتیکی، محل عبور مسیرهای زمینی، راه آهن و هوایی بخش عظیمی از جامعه بین‌المللی به حساب می‌آید. وجود این منابع بدیع از یکسو منجر به دخالت قدرت‌های خارجی در این منطقه شده و از سوی دیگر حضور این قدرت‌های خارجی در دهه‌های گذشته نوعی شبه استعمار را به دنبال داشته است. همچنین عمده دولت‌های این منطقه در سیاست خارجی نگاه رقابت‌آمیز و غیردوستانه‌ای نسبت به همسایگان خود در پیش گرفته‌اند که این امر منجر به ایجاد دور باطلی از رقابت‌های منطقه‌ای و تشدید دشمنی‌ها شده و متعاقب خود کاهش فضای همکاری جویانه در خاورمیانه را رقم زده است. این وضعیت نوعی پیوند امنیتی را میان

دسته‌بندی‌های مختلف در کشورهای این منطقه، ایجاد کرده است که باعث شده تا کشورهای منطقه تهدیدات امنیتی محیطی مشابهی داشته باشند و یک مجموعه امنیتی را حول این محور جغرافیایی شکل دهند (عسکری کرمانی و معین آبادی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۲۸). مسئله روابط اعراب و اسرائیل در تاریخ یک سده پیش نشان‌دهنده مواردی از قبیل جنگ، بی‌ثباتی، حمایت‌های ایدئولوژیکی و لجستیکی از آرمان‌های فلسطین بوده است. این مسئله پس از شکست اعراب از صهیونیست‌ها در جنگ‌های متوالی و روی کار آمدن دولت‌های محافظه‌کار عربی در منطقه به صلح مبدل شد (Navon, ۲۰۲۰: ۳۳). در حال حاضر ایران مهم‌ترین کشور منطقه از نظر آینده امنیت خلیج فارس و ثبات آن به شمار می‌رود. از یک طرف، ایران خواهان ایفای نقش طبیعی خود به عنوان اصلی‌ترین قدرت منطقه‌ای است و از طرف دیگر، اوضاع عراق، عربستان، قطر و بحرین امید اندکی برای امکان بقای سیستم فعلی حاکم بر خلیج فارس باقی گذاشته است (مظاهری، ۱۳۹۸: ۱۰۲). تغییر رویکرد ایران نسبت به اسرائیل در اوان آغاز به کار جمهوری اسلامی، منجر به بازنگری بنیادین سیاست‌های هر دو بازیگر در قبال یکدیگر و همچنین تنظیم و تعریف مجدد استراتژی‌ها و تاکتیک‌های آن‌ها در منطقه و ورای آن شد. به نوعی می‌توان عنوان نمود که شطرنج استراتژی‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دچار تغییر بنیادین شد و هر کشوری جایگاه و نقش خود در این صفحه بازی را مورد بازنگری و بازتعریف قرار داد (ضرغامی خسروی و دیگران، ۱۳۹۹: ۶۸).

## ۱- طرح و تبیین بحث

غرب آسیا و منطقه خاورمیانه در سال‌های اخیر به خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه‌ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با وضعیت هرج و مرج و گونه‌ای مواجه است که می‌توان آن را نمونه‌ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. از آنجایی که سیستم منطقه‌ای، آنارشیک است، دولت‌هایش ناگزیر برای تأمین امنیت، در تکاپوی افزایش قدرت‌اند. در یک سیستم آنارشیک و خودیار، دولت‌ها، تنها با توسل به قدرتشان می‌توانند نسبت به بقای خود خاطر جمع شوند. افزایش قدرت دولت‌ها یا با توسل به منابع درونی و یا از طریق پیوستن به متحدین بیرونی است که انجام می‌پذیرد. تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولت‌ها داشته باشد. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی، به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرت‌ها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند. این مسائل سبب می‌شود که خاورمیانه همیشه با خلأ قدرت روبرو باشد. رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم در صدد عادی‌سازی روابط خود با کشورهای منطقه‌ی پیرامونی و محور نفوذ ایران می‌باشد. هدف از شکل‌گیری و طرح این پیمان توسط رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن شماره یک ایران در محیط پیرامونی، خود مسئله‌ای است که می‌خواهیم به بررسی و واکاویان پردازیم. سؤال اصلی چنین طرح می‌گردد: بایسته‌های حقوقی و سیاسی

سیاست‌های راهبردی اسرائیل بر گسترش روابط با اعراب و نفوذ در منطقه خاورمیانه چه تأثیری بر محور نفوذ و امنیت ملی - منطقه‌ای ایران دارد؟ به نظر می‌رسد تلاش اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه‌ی خاورمیانه بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه‌ای می‌باشد. در اهمیت آن می‌توان مدعی شد پژوهش فوق باعث شناخت جنبه‌ها و تأثیرات نفوذ خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر محور نفوذ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین رقیب استراتژیک این کشور می‌شود. در این پژوهش از روش کیفی - تفسیری، با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. همچنین روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز استفاده از منابع موجود و در دسترس (کتاب - مقالات موجود و منابع فارسی و لاتین در دسترس) به شیوه کتابخانه‌ای و نت‌برداری بوده است.

## ۲- پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی بحث:

در ارتباط با موضوع مورد نظر نگارنده یعنی بایسته‌های حقوقی - سیاسی تهدیدات نفوذ خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی - منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه، چند اثر را که با عنوان موضوع سنخیت بیشتری دارند به‌صورت اختصار بررسی می‌نماییم.

محقق	عنوان و سال انجام تحقیق	شرح، یافته‌ها و نتایج تحقیق
مختار صالحی، رحمان زارع	خلاً قدرت و تأثیران بر امنیت منطقه خاورمیانه (۱۳۹۶)	امنیت در خاورمیانه وضعیت پیچیده و مبهمی پیدا کرده است. باوجود تأثیر فاکتورهای متعدد بر شکل‌گیری ناامنی در خاورمیانه، خلاً نفوذ قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و نظم در منطقه قابل تأمل است. در یافته‌های مقاله به این نکته اشاره شده است که هرکدام از دو کشور ایران و عربستان تلاش می‌کنند خلاً قدرت بزرگ در منطقه را جبران کنند و موضوع فوق منجر به تشدید رقابت بین کشورهای منطقه شده است. برای کاهش واگرایی، کشورهای منطقه نیازمند دستیابی به چهارچوب مشترک برای همکاری در سطح منطقه هستند. بررسی موضوع در چهارچوب رویکرد نئورئالیسم تهاجمی صورت گرفت.
محمدرضا ملکی، فرزاد	چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب	مناقشه اسرائیل - فلسطین که ریشه‌های آن دست‌کم به بیش از یک قرن پیش بازمی‌گردد از

محمدزاده ابراهیمی	(۱۳۹۹)	بغرنج‌ترین بحران‌های بین‌المللی است که دهه‌ها منطقه حساس خاورمیانه را درگیر تنش ساخته است. مسئله‌ای که نقطه عطف مهمی در مناسبات طرفین محسوب و شرایط جدیدی را در منطقه رقم‌زده تا جایی که از شکل‌گیری خاورمیانه جدید سخن به میان آمده است. نگرانی‌های امنیتی مشترک اسرائیل با برخی کشورهای عرب و همین‌طور پیشبرد بهتر منافع ملی را می‌توان به‌عنوان نقطه ثقل این چرایی عنوان نمود که موجبات اعتلای روابط اسرائیل و اعراب را فراهم آورده است.
زهرا الوندی، مهدی ذاکریان امیری، سید عبدالعلی قوام، حمید احمدی	تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران  (۱۴۰۰)	با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی، از این‌رو تأثیر لابی اسرائیل بر رفتار سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابطش با ایران به‌ویژه در برنامه هسته‌ای آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با استفاده از ابزار استراتژیک تبلیغات منفی علیه

<p>ایران در قالب ایران هراسی و برجسته نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی مخرب در منطقه و سطح بین‌الملل توانسته بانفوذ در پارلمان اروپا گروه‌ها و نهادهای لابی در اتحادیه اروپا تشکیل و مقاصد سیاسی و استراتژیکی خود را عملی سازد.</p>		
<p>مجموعه امنیتی خاورمیانه یک مجموعه امنیتی خاص و پیچیده است و در دل آن ائتلاف‌هایی وجود دارند که به دلایل مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک دچار اختلاف هستند. یافته‌های پژوهشی حاکی از شناسایی سه ائتلاف عمده در مجموعه امنیتی خاورمیانه شامل:</p> <p>۱ - ائتلاف محور مقاومت. ۲ - ائتلاف بلوک سنی. ۳ - ائتلاف دفاکتو عبری-عربی است. نهایتاً در خصوص محور مقاومت باید گفت که این ائتلاف به دلیل تأثیرگذاری مثبت در هر یک از تحولات اخیر خاورمیانه منافع</p>	<p>بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه (۱۴۰۰).</p>	<p>محمد عسکری کرمانی، حسین معین‌آبادی بیگدلی</p>



مدنظر خود را تأمین نموده و در آرایش سیاسی - امنیتی مجموعه تأثیر شگرفی نهاده است.		
در این مقاله با تکیه بر «آینده‌پژوهی» و روش سناریو نگاری، تلاش شده محتمل‌ترین سناریو برای طرح معامله قرن بررسی شود. معامله قرن پتانسیلی برای محوریت مذاکرات صلح ندارد اما باید توجه داشت که مهم‌ترین هدف طرح، مشروعیت دادن به وضعیت موجود در سرزمین‌های اشغالی است. با این حال، شدت گرفتن اقدامات نامشروع اسرائیل برای ضمیمه سازی سرزمینی، شهرک‌سازی‌ها، افزایش ریزنی با کشورهای عربی محافظه کار باهدف فشار فزاینده بر فلسطینی‌ها و حاکمیت‌زدایی از حکومت خودگردان، محتمل‌ترین سناریو این طرح است.	آینده‌پژوهی معامله قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ  (۱۴۰۰)	محسن بیات، ابراهیم طاهری

### ۳- رهیافت نظری پژوهش:

برای تبیین راهبرد امنیتی کشورها در قالب اتحادها، نظریه موازنه قوا که یکی از اصول مهم نظریه ساختارگرایی کنت والتز و همچنین نئورئالیسم به شمار می‌رود، اغلب توسط پژوهشگران روابط بین‌الملل به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته اصل موازنه قوا از طرف نظریه پردازان روابط بین‌الملل با انتقادهایی همراه بوده است. به عنوان مثال استفان والت به عنوان نظریه پرداز رئالیسم تدافعی با ارائه نظریه موازنه تهدید سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. استفان والت یکی از شناخته شده ترین اندیشمندان وابسته به رئالیسم تدافعی است که برای بازگشایی گزاره های اصلی و محوری نظریه موازنه قوا بسیار کوشیده است. محقق نشدن فرضیه قوا علیه هژمون بالقوه امریکا پس از جنگ سرد، استفان والت را در جابه جایی نقطه تمرکز واقع گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد، تا این گونه بتواند گره کور واقع گرایی را بگشاید. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سمت توازن می شود، میزان تهدیدی است که ادراک می کنند (Yan, ۲۰۱۹: ۷۳). در واقع این مسئله، سبب پرسش نخستین والت می شود که چه موقع دولت ها اتحادها را شکل می دهند؟ و چه عنصری انتخاب اتحادشان را تعیین می کند؟ آیا دولت ها تمایل دارند علیه قدرت های قوی یا تهدید کننده با متحد شدن علیه آن ها موازنه برقرار کنند؟ یا احتمالاً با متحد شدن با قدرتمندترین یا تهدید کننده ترین دولت ها راهبرد دنباله روی را انتخاب کنند؟ نکته مهم تبیین این مسئله است که طبق نظر والت، کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند؛ بلکه

کشوری که قدرت آن باعث به خطر افتادن امنیت دیگر کشورها شود، سبب می‌شود که دیگران نیز برای رویارویی با این تهدید به‌سوی ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند. والت بر این عقیده است که دولت‌ها با تهدیداتی مواجه هستند که تعادل ایجاد می‌کند و همه قدرت‌های خارجی را تهدید می‌کند و آنچه به‌ضرورت تعادل می‌انجامد، وجود نیت خصمانه و به عبارتی تلاش برای جایگزینی قدرت برتر است. «قدرت بخش مهمی از معادله است، اما تنها عنصری نیست که آن را شکل می‌دهد، زیرا این معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت می‌شود. به‌طور کلی می‌توان اصول و مفاهیم اصلی نظریه موازنه تهدید از نظر والت را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- دولت‌ها در برابر طرف‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید به شمار می‌روند.

- تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه ادراکی است که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت، زمانی که تهدیدی احساس شد، کشورها یا می‌کوشند در برابر آن توازن ایجاد کنند؛ یا اینکه به کشور تهدیدکننده پیوندند.

- هراندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به‌طور کلی شکل‌گیری سطوح اتحاد، با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد.

- به نظر والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری

دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوز پیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد موجب ایجاد توازن شوند. نیت تجاوزکارانه یک کشور خاص تمایل به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۱).

#### ۴- شکل‌گیری موجودیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه:

در چهاردهم می سال ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیمومت بریتانیا بر فلسطین، دولت اسرائیل با صدور اعلامیه استقلال، اعلام موجودیت کرد. پس از اعلام استقلال، مناقشه بین اعراب و اسرائیل رو به فزونی گذاشت و چندین جنگ بین آنها رخ داد که در همه آن جنگ‌ها پیروزی با اسرائیل بود. اما تنش سیاسی، منازعات و کشمکش‌های نظامی و ملی‌گرایانه در رقابت بر سر جاه‌طلبی‌های ارضی که متعاقب فروپاشی امپراتوری عثمانی آغاز و طی قرن بیستم شدت یافت، رفته‌رفته باگذشت زمان و عمدتاً در اوایل قرن بیست و یکم کمرنگ‌تر شد و از مناقشه‌ی اعراب- اسرائیل در مقیاس وسیع منطقه‌ای به مناقشه اسرائیل- فلسطین در سطحی محدودتر بدل گردید. بعلاوه از سال ۱۹۷۰ تلاش‌های موازی برای ایجاد صلح در مناقشه اعراب و /فلسطینی‌ها با اسرائیل صورت گرفت تا شرایطی ایجاد شود که مورد توافق طرفین قرار گیرد (ملکی و محمد زاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۶). اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه، سرزمین کوچک و باریکی

است که به دلیل ماهیت تصنعی آن و ظهور این کشور از طریق اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان و همکاری قدرت‌های بزرگ، تنها از لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از بدو تأسیس در انزوا و محاصره دولت‌های عرب و مسلمان بوده است. بنابراین، انزوا، آسیب‌پذیری و خلأ مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای، خطرات عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید نموده‌اند. بر این اساس، یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف اسرائیل در منطقه، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه بوده است. در این زمینه، اسرائیل از یکسو از طریق سیاست تهاجمی و توسعه‌طلبانه در صدد مدیریت منازعات خود با اعراب برآمده و از سوی دیگر از طریق دکترین اتحاد پیرامونی، به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۳).

از سال ۱۹۹۶ که نتانیاهو به‌عنوان نخست‌وزیر اسرائیل آغاز به کار کرد، بستر سیاسی داخلی برای پیشبرد طرح اسرائیل بزرگ‌تر فراهم شد. از همان سال تاکنون دولت وی با اقدامات گسترده توانسته است به روند گسترش شهرک‌های یهودی‌نشین سرعت دهد و ضمیمه سازی سرزمینی در کرانه باختری به‌ویژه در بیت‌المقدس و بلندی‌های جولان را محقق کند. با روی کار آمدن دولت ترامپ به‌عنوان دولتی همفکر و متحد در آمریکا، نتانیاهو بستر سیاسی را برای مشروعیت دادن به اقدامات خود فراهم دید. اقدامات ترامپ در شناسایی حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان و به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، چشم‌انداز روشنی برای پیشبرد اهداف

راست گرایان افراطی یهود به ویژه دولت نتانیا هو و احزاب طرفدارش ایجاد کرد. طرح صلح دولت ترامپ را باید در بستر منطقه، چارچوب کلی سیاست دولت وی در قبال منازعه فلسطینی- اسرائیلی و وضعیت کنونی اسرائیل و فلسطین، مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به این موارد و محتوای طرح صلح و پیامدهای احتمالی آن، می توان گفت که مطرح شدن این طرح گامی بلند در جهت تکوین و تثبیت طرح اسرائیل بزرگ تر بود. اگر چه دو دولت بنیان گذار این طرح در اسرائیل و ایالات متحده جای خود را به دولت بنت و بایدن دادند اما نباید تصور کرد که طرح معامله قرن و اسرائیل بزرگ تر کنار گذاشته شده اند (بیات و طاهری، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

## **۵- نفوذ و عادی سازی روابط با کشورهای عرب منطقه بر اساس موازنه تهدید:**

ارتباطات و تماس های دولت های عرب با اسرائیل در عمل پیشینه طولانی دارد. در حقیقت، توافقات امضاء شده و دیدارهای رسمی اعراب- اسرائیل تقریباً به زمان تشکیل دولت اسرائیل، با قراردادهای متارکه جنگ ۱۹۴۹ بازمی گردد. برای حدود دو دهه پس از آن، ملاقات های رسمی متناوب ولو معمولاً سطح پایین درباره رخدادهای امنیتی، آب، پناهجویان، و موضوعات دیگر همراه با بسیاری دیدارهای خصوصی سطح بالاتر وجود داشت. از سرگیری تماس ها پس از جنگ ۱۹۷۳ به پیمان صلح اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹ منجر شد. در سپتامبر ۱۹۹۳ یکی از تاریخی ترین لحظات در گفتگوها با پیمان اُسلو به وقوع پیوست، که طی آن دولت اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین، به طور

متقابل یکدیگر را به رسمیت شناختند. پیمان صلح اسرائیل و اردن به منظور عادی‌سازی روابط و صلح بین دو کشور در سال ۱۹۹۴ به امضاء رسید. بعدها نیز با وجود برخی وقفه‌ها طی انتفاضه‌ی دوم یا سایر بحران‌های روی داده در منطقه، بسیاری از نشست‌های سران، ملاقات‌ها، توافقات، و ارتباطات دیگر سطح بالا میان اعراب و / فلسطینی‌ها با اسرائیل رخ داده است (Maleki and Mohammadzadeh Ebrahimi, ۲۰۱۸: ۱۹). به‌طور کلی می‌توان سه نوع مصالحه در این رابطه را ذکر نمود: نخست پیمان کمپ دیوید که بر اساس آن مصر حاکمیت کامل خود بر بخشی از صحرای سینا را از دست داد و متحمل زیان‌های عمده‌ای شد. دوم صلح اردن با رژیم صهیونیستی که مشهور به توافقنامه وادی عربیه است. که بر اساس این قرارداد رژیم صهیونیستی دو منطقه «الباقوره» و «الغمر» را به مدت ۲۵ سال از اردن اجاره کرد. این قرارداد ضررهای اقتصادی و کشاورزی و آب‌رسانی فراوانی را به اردنی‌ها وارد آورده است به گونه‌ای که در حوزه آب‌رسانی صهیونیست‌ها متعهد شده بودند سالیانه ۵۵ میلیون مترمکعب آب را به اردن انتقال دهند؛ ولی در عمل تنها ۳۵ میلیون مترمکعب آب به اردن انتقال یافته است. در نهایت بخش سوم مذاکرات اعراب و صهیونیست‌ها به مسئله فلسطین مربوط است که همواره با نزاع و جنگ همراه بوده و در عمل بدون هیچ دستاوردی برای فلسطین، کماکان ادامه دارد. نکته مهم در این میان تبیین این مسئله است که صهیونیست‌ها در عمل نشان دادند که به هیچ گونه قراردادی متعهد نیستند و این مسئله را از کمپ دیوید گرفته تا قراردادهای صلحی که با فلسطینیان منعقد کرده‌اند، به خوبی نشان داده‌اند (thrall, ۲۰۱۷: ۶۷).

شیفت پارادایمی در روابط اعراب و اسرائیل که از تنش و تهدید و اعراب به سمت وسوی صلح و نهایتاً برقراری روابط سیاسی سوق پیدا کرده، مرهون سه عامل مهم است: نخست، ائتلاف در برابر شیعیان منطقه، دوم، کاهش فزاینده تمایلات امریکا برای حضور مستقیم در منطقه و تلاش برای ایجاد ائتلاف قدرتمند و متحد غرب در غرب آسیا و سوم، شکنندگی ژئوپلیتیک اعراب و رژیم صهیونیستی در منطقه. واقعیت این است که ماهیت قدرت و ساختار در اسرائیل وجه تثبیت شده‌ای ندارد و همین شکنندگی بستر ساز نگرانی‌های فزاینده رژیم صهیونیستی در برابر دشمنان و رقیبان منطقه‌ای خود شده است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی در برابر بخش‌های مهمی از ژئوپلیتیک غرب آسیا ادعای ارضی دارد و تمام کشورها را به مثابه نوعی تهدید بالقوه برای خود می‌انگارد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۹). چندی پیش وزیر جنگ وقت اسرائیل در مصاحبه با رسانه‌های عربی متذکر شد که «اسرائیل تمایل دارد تا اطلاعات خود را در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل اطلاعات امنیتی برای مواجهه با رقیبان با کشورهای میانه‌رو عرب در میان بگذارد (Yalan and Fridman, ۲۰۱۸: ۲) امارات را باید نخستین شالوده شکن از کشورهای خلیج فارس در برقراری روابط با رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. مسئله‌ای که نیاز به شهادت زیادی از سوی شیخ‌نشینان امارات داشته است. در این میان حتی عربستان به عنوان زمامدار جهان اهل سنت نیز که در اتحادی راهبردی با امریکا به سر می‌برد، تا حد بسیار زیادی جرأت آشکار کردن روابط با رژیم صهیونیستی را نداشته است و بن سلمان همواره با هماهنگی کامل با سران امریکا



و از روش‌های گوناگون و پنهانی با سران اسرائیل گفتگو کرده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

#### ۵-۱- معامله قرن ترامپ:

هنگامی که اوباما در آمریکا به قدرت رسید، گروه ویژه‌ای را مسئول بررسی این مسئله کرد که آیا راهبرد کلان واشنگتن برای حضور در جهان با منابع محدود مالی و تهدیدهای متغیر و نوظهوری که آمریکا با آن‌ها روبه‌رو است، سازگاری دارد یا خیر؟ نتیجه بررسی، که بخش اصلی آن توسط وزارت دفاع آمریکا انجام شد، در قالب سند راهنمای استراتژیک دفاعی در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر شد. نتیجه این بود که آسیا با محوریت دریای جنوبی چین و سپس خاورمیانه با محوریت خلیج فارس، باید اولویت‌های راهبردی آمریکا در عصر جدید باشند. آمریکا به این باور رسید که اروپا با تهدید امنیتی جدیدی روبه‌رو نیست و حتی اگر با چنین تهدیدی مواجه شود، از توانایی لازم برای رویارویی با آن برخوردار است و نیاز چندانی به آمریکا ندارد (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۹۹). باروی کار آمدن دونالد ترامپ سیاست‌های پراگماتیسمی آمریکا در حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی با شدت بیشتری ادامه یافت. به همین سبب، ترامپ حتی پیش از ورود به کاخ سفید و در کارزار انتخاباتی بارها وعده دستیابی رژیم صهیونیستی به صلح دائمی را داده بود. پس از موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری، ترامپ برای دستیابی به این وعده در گام نخست با سفر به مناطق اشغالی و دیدار با سران رژیم صهیونیستی شرایط لازم را برای

ایجاد روابط مستحکم میان اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی آماده کرد (Reinstein, ۲۰۲۰: ۹۰).

دولت ترامپ با انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در مه ۲۰۱۸ و قطع صدها میلیون دلار کمک سالانه به فلسطینی‌ها با استناد به امتناع تشکیلات خودگردان از مشارکت در ابتکار صلح ترامپ، بیش از پیش خشم فلسطینی‌ها را برانگیخت. محمود عباس، ایالات متحده را به دلیل «حمایت از تخاصم اسرائیل علیه آن‌ها» به شدت مورد انتقاد قرار داد. او گفت: «علیرغم هر توطئه یا اقدامی، بیت المقدس پایتخت همیشگی فلسطین باقی خواهد ماند. طرح صلح ترامپ یا آنچه در خبرگزاری‌های مختلف به عنوان «معامله قرن» یاد می‌شود، توسط تیمی به سرپرستی جرد کوشنر تدوین گردیده است. این طرح شامل دو بخش اقتصادی و سیاسی است. کاخ سفید در ۲۲ ژوئن، ۲۰۱۹ بخش اقتصادی معامله قرن موسوم به «صلح برای شکوفایی» را منتشر ساخت. بر این اساس قرار است یک صندوق سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری برای ۱۷۹ پروژه زیربنایی و تجاری ایجاد گردد که واشنگتن امیدوار است بخش اعظم مخارج آن را دولت‌های ثروتمند حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی و آسیایی، همراه با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، تأمین نمایند (The Times of Israel, ۲۰۱۹: ۲).

## ۵-۲- پیمان صلح ابراهیم:

عادی‌سازی روابط کشورهایمانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سال‌ها و دهه‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود. اما

این روند طی سال‌های اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به خود گرفته است. دیدار نتانیاهاو از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشنگتن تحت عنوان «صلح ابراهیم» در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ گواهی بر این ادعا می‌باشد. در همین رابطه امارات سومین کشور عربی پس از مصر و اردن است که اقدام به عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با تل‌آویو کرده است. هرچند این کشور پیش‌تر در قالب اقداماتی نظیر پایان دادن به اجرای تحریم‌های ثانویه اتحادیه عرب در سال ۱۹۹۴ اجازه تأسیس دفتر دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی در ابوظبی در سال ۲۰۱۵ برای تسهیل در مشارکت این رژیم در آژانس بین‌المللی انرژی تجدید پذیر)، اجازه حضور کاتز، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، برای شرکت دینش است سازمان ملل در مورد تغییر آب‌وهوا در ابوظبی در ژوئن ۲۰۱۹ گام‌های پنهانی اولیه را برداشته بود (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳).

به رسمیت شناخته شدن مشروعیت اسرائیل از سوی اعراب را، اولین بار مصر در سال ۱۹۷۹ انجام داد. دولت وقت مصر آرمان فلسطین را رها کرد و خود با اسرائیل وارد توافق شد. اردن هم در سال ۱۹۹۴ از این کار تبعیت کرد. درصد بالای اردنی‌های فلسطینی تباری که والدینشان در زمان تشکیل و گسترش اسرائیل از سرزمین‌های فلسطینی گریخته بودند، موجب شده اردن در موقعیت منحصربه‌فردی قرار گیرد (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸). اکنون نیز پیمان صلح ابراهیم چارچوبی را برای تداوم فرآیند پذیرش هرچه بیشتر اسرائیل از سوی اعراب تعیین کرده است. طولی نکشید که پیمان صلح ابراهیم بحرین را نیز

شامل شد. بحرین، به مانند امارات، در کرانه جنوبی خلیج فارس قرار دارد. بحرین، که تا سال ۱۹۶۸ میزبان یکی از پایگاه‌های نیروی دریایی بریتانیا بود، سال‌هاست محل استقرار یکی از پایگاه‌های نیروی دریایی ایالات متحده شده است. حاکمیت اقلیتی اهل سنت بر اکثریتی شیعه موجب پیچیده شدن ساختار حکومتی دولت بحرین شده که عموماً بی‌ثبات است. داماد ترامپ، جارد کوشنر که خود یهودی است، نقش مهمی در مذاکرات ایفا کرد. وی مدعی شد که حکومت‌های عربی دیگر نیز در آینده به پیمان ابراهیم خواهند پیوست. دولت سودان هم در ماه اکتبر، با وعده حذف شدن نامش از لیست کشورهای حامی تروریست، به این جامعه‌ی تحت تسلط آمریکا پیوست. بیانیه پیمان صلح ابراهیم آشکارا با ادبیات متخصصان روابط عمومی نوشته شده است؛ متخصصانی که در مدارس تکنیک‌های تبلیغاتی آموزش دیده و به خوبی رشد یافته‌اند. این پیمان نوعی سند روابط عمومی گلفام است تا جذب نیرو و مسلح سازی جوامع عربی برای یورش نظامی به ایران را به دروغ چیزی دیگر جلوه دهد. بیانیه پیمان ابراهیم با ادعای «تحقق چشم‌انداز صلح، امنیت و آبادانی برای خاورمیانه و کل دنیا» در پی پنهان کردن برنامه‌ای آشکار برای جنگ مضاعف در غرب آسیا و اوراسیاست. به ظاهر این طرح هیچ ربطی به هیچ جنگی ندارد «ما در پی احترام به تک‌تک انسان‌ها هستیم تا بتوان این دنیا را به گونه‌ای ساخت که همگان از یک زندگی کریمانه و پُر امید بهره‌مند شوند، فارغ از اینکه به چه نژاد، قوم و دینی تعلق دارند». اتفاقاً این پیمان در پی تشدید تمایزات قومی باهدف اختلاف‌افکنی میان عرب‌ها و ایرانی‌هاست. مقدمه اولین مرحله صلح ابراهیم در واقع چیزی نبود جز فروش تسلیحات آمریکایی به امارات متحده عربی.

آمریکا متعهد شده است ۵۰ جت اف ۳۵ به دولت امارات، به رهبری شاهزاده زاید بن نهیان، بفروشد. همچنین قرار است امارات صاحب تعدادی پهپاد ساخت ژنرال اتمیکس شود. دولت بحرین نیز از این الگو تبعیت کرده و جداگانه اقدام به عقد قرارداد تسلیحاتی با آمریکا نمود. بسیار محتمل است که هدف بحرین از این کار فراهم آوردن «امنیت» علیه قیام‌های مردمی باشد. البته این معاملات موجب ناخشنودی نتانیاهو شد. وی در عوض از آمریکا، خواهان پیشرفته‌ترین تسلیحات ممکن شد تا اسرائیل همواره از نظر فناوری تسلیحاتی برتری منطقه‌ای خود را حفظ کند. در نتیجه آمریکا اقدام به فروش اف ۲۲، بمب‌های زاغه کوب و هواپیماهای اسپری وی ۲۲ به اسرائیل نمود (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۷). بر اساس پیمان ابراهیم، وضعیت فعلی کرانه باختری که به صورت غیرقانونی به تصرف اسرائیل درآمد به همان شکل باقی می‌ماند که این اقدام، آشکارا نقض منشور سازمان ملل است. وضعیت فعلی یعنی تداوم گسترش شهرک‌سازی‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی که مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت آنان صدها قطعنامه صادر کرده است، مترادف است با هجمه به زندگی، محل زیست و سکونت، منابع آب، باغ‌های زیتون و بسیاری از دیگر عرصه‌های حقوق انسانی فلسطینی‌ها (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۷).

## ۶ - پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر جمهوری اسلامی ایران:

ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان‌قاره‌ای و مجاورت با

خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده، به‌طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد. کشور ایران امروزی، تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به‌عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است. از مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است. گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۶). عامل مهمی که بر واگرایی در خاورمیانه تأثیرگذار است، ارزیابی عقلانی رفتار رقیب و بررسی میزان قدرت هر کدام از کشورهای خاورمیانه در مورد وزن و مقدار تأثیرگذاری نسبت به همتایان خود در منطقه است. رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر لزوماً به موارد ایدئولوژیک و ارزشی محدود نمی‌شود بلکه در کنار آن، منافع ملی و امنیت ملی که هر کدام از قدرت‌های تأثیرگذار در منطقه به‌خصوص قدرت‌های منطقه برای خود تعریف کرده‌اند باعث گسترش رقابت میان آن‌ها شده است (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۹).

با توجه به نقش مهم اقتصاد در روابط کشورها، معیار صادرات و واردات می‌تواند شاخص مناسبی جهت بررسی رابطه ایران با کشورهای همسایه خود

باشد. صادرات ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه بر اساس اعلام سازمان توسعه تجارت صادرات ایران به کشورهای این منطقه در پنج ماه نخست سال ۱۳۹۹ رقمی معادل ۵/۲ میلیارد دلار را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عدد نسبت به سال گذشته ۵/۳ میلیارد دلار کاهش داشته است. متولیان تجاری اظهار امیدواری کرده‌اند که با بازگشایی مجدد مرزها و شروع دوباره مبادلات تجاری در سطح بین‌المللی این میزان کاهش صادرات تا حدودی جبران شود و به شرایط قبل از کرونا بازگردد. با اعلام فرزاد پیلتن، مدیرکل دفتر عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران کشورهای عربی مقصد صادرات ایران به ترتیب عراق، امارات، عمان، کویت، سوریه، قطر، اردن، لبنان و بحرین بوده‌اند و طی مدت مذکور، صادراتی از ایران به کشورهای عربستان و یمن صورت نگرفته است. همچنین از میان ۲۰ کشور اول هدف صادراتی ایران، عراق با ۱۸۳۴ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه ۲، امارات با ۳۱۰ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه ۵، عمان با ۱۱۰ میلیون دلار واردات از کشورمان در رتبه ۱۱ و کشورهای کویت، سوریه و قطر به ترتیب با ۵۶، ۵۸ و ۴۵ میلیون دلار واردات از ایران، در رتبه‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۹ مقاصد صادراتی ایران طی مدت مذکور قرار داشته‌اند (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴). با توجه به چنین وضعیتی برای ایران و شرایط موجود منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، عرصه‌های بازیگری معطوف به منافع و امنیت ملی کشورها، به صحنه بازیگری خردمندانه (مبتنی بر هزینه-فایده) و بازی‌های مختلف، برد-برد، باخت-باخت و برد-باخت تبدیل می‌شود. بنابراین با توجه به روابط خاص جمهوری اسلامی ایران با برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر اسرائیل که در حال افزایش نفوذ و

قدرت خود در میان کشورهای منطقه می‌باشد (کامران دستجری و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱). در بحث نفوذ منطقه‌ای و محور نفوذ جمهوری اسلامی نیز باید خاطرنشان کرد در حوادث منتهی به بیداری اسلامی و ظهور تکفیری‌های داعش و النصره در عراق و سوریه و حتی افغانستان و ایفای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در نابودی نسبی این جریانات تروریستی - تکفیری، تشکیل ائتلاف میان شیعیان منطقه، توسعه روزافزونی یافت. واقعیت این است که ظهور داعش به مثابه جریان بنیادگرای رادیکال و ایدئولوژیک که باهدف ساقط کردن دولت‌های سوریه و عراق تأسیس شد، بیش از آنکه بتواند به اهداف خود دست پیدا کند، بستر ساز تشکیل شبه‌نظامیان ساختارمندی همچون حشدالعشبی در عراق و حزب‌الله در سوریه شد. بسیاری از مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن در حال تجهیز نظامی متحدین شیعه خود است، تا جایی که دانش موشکی حزب‌الله لبنان به یکی از مجهزترین انواع خود در غرب آسیا تبدیل شده است. لذا پس از افول داعش، وحدت راهبردی میان شیعیان به بیشترین میزان خود رسیده و عامل اصلی گسترش مرجعیت گفتمان شیعی و مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۶).

### نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم و دیگر پیمان‌ها با توجه به همسویی اهداف و همگرایی راهبردی - امنیتی خود در منطقه خاورمیانه با دیگر متحدانش، درصدد برآمده است که محیط پیرامونی و ملی - منطقه‌ای جمهوری



اسلامی ایران را به عنوان دشمن و رقیب استراتژیک خود به چالش بکشد. بر همین اساس با تنگ کردن محیط و فضا برای ایران و فشار بر مرزهای ملی و منطقه‌ای ایران می‌خواهد که دست ایران را در محور نفوذ و منطقه کوتاه کرده و با تهدید مرزهای ملی و محیط داخلی در اهداف منطقه‌ای ایران خلل وارد نماید. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی و تعارضات هویتی-ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم اسرائیل، هرگونه افزایش حضور اسرائیل در محیط امنیتی-پیرامونی ایران به‌انحاء مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای آن به حساب می‌آید. در زمینه برنامه‌ی هسته‌ای ایران از دید اسرائیل به اصطلاح پنهان کاری‌های ایران در زمینه هسته‌ای، با نگرانی‌هایی همراه بوده است. اسرائیل با توجه به مشخص شدن مشی جمهوری اسلامی در مقابل آن و تعریف اسرائیل به عنوان یکی از دشمنانی که باید از صفحه روزگار محو شود، از دستیابی ایران به فناوری‌های هسته‌ای بیم داشته و دارد. نکته قابل توجه این است که اسرائیل برای جلوگیری و کنترل نفوذ منطقه‌ای ایران، بار دیگر ایران را به عنوان تهدیدی، برای وجود اسرائیل بازنمایی کرده است. با توجه به شعارها و مشی ایران در مقابل اسرائیل، مبنی بر اینکه ایران، دست به نابودی آن خواهد زد. لذا رژیم صهیونیستی با امنیتی کردن فضا برای کشورهای منطقه آن‌ها را به سمت اهداف بلندمدت خود سوق داده است. این رژیم با ارائه تعریف غیرواقعی از چهره‌ی ایران هسته‌ای، در آینده‌ای نزدیک می‌خواهد که هم بر ایران فشار

بیشتری از طرف همسایگانش وارد نماید و هم با عادی سازی روابط خویش در سطح منطقه قدرت مانور خویش را افزایش دهد. اما واقعیت مطلب این است که، گرچه توافقات صلح ابراهیم و گسترش دامنه آن به دیگر کشورهای عربی می تواند موجب کاهش تنش های منطقه ای و ارتقاء ضریب امنیتی برای اسرائیل شود اما تاریخ نشان داده است، تا زمانی که طرفین اصلی مناقشه یعنی اسرائیل و فلسطین، بر موضع همیشگی خود تأکید ورزند. این گونه توافقات نمی تواند به حل نهایی قضیه ی فلسطین کمک کند. اما در مورد تهدید محیط پیرامونی و عکس العمل جمهوری اسلامی بایستی یادآور شد که مهم ترین عاملی که ایران می تواند از آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده خود در منطقه تکیه کند، ژئوپولتیک شیعه و تأثیر گذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه است. به نظر برخی از تحلیل گران، با توجه به جمعیت شیعه که در منطقه از پاکستان گرفته تا لبنان سکونت دارند و تأثیرات ایران بر این گروه های جمعیتی که در برخی از کشورها نیز اکثریت را در اختیار دارند، شرایط منطقه امروزه برای دستیابی ایران به یک موقعیت برتر را فراهم نموده است.

## منابع و مأخذ

### الف: منابع فارسی

- الوندی، زهرا و ذاکریان امیری، مهدی و قوام، سید عبدالعلی و احمدی، حمید (۱۴۰۰)، «تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، تابستان، سال هفدهم، شماره دوم
- بیات، محسن و طاهری، ابراهیم (۱۴۰۰)، «آینده پژوهی معامله‌ی قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، پاییز، سال یازدهم، شماره سوم.
- صالحی، مختار و زارع، رحمان (۱۳۹۶)، «خلاء قدرت و تأثیران بر امنیت منطقه خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، زمستان، سال دهم، شماره چهل
- ضرغامی خسروی، سمیرا و ذاکریان، مهدی وبرزگر، کیهان و کاظمی وند، سید علی اصغر (۱۳۹۹)، «تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، بهار، سال ۱۶، شماره چهار (۶۴).
- عسکری کرمانی، محمد و معین ابادی بیگدلی، حسین (۱۴۰۰)، «بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه»، **فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، تابستان، سال دهم، شماره دوم، پیاپی (۲۰۰).
- علیشاهی، عبدالرضا و فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمائی، حمید (۱۳۹۹)، «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، **نشریه علمی افاق امنیت**، زمستان، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم.

- کامران دستجردی، حسن و متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰)، «حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیران بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه انجمن جغرافیای ایران** - دوره جدید، بهار، سال ۹، شماره ۲۸.

- قادری حاجت، مصطفی و جودی، حسین و حیدریان، سجاد (۱۳۹۹)، «تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم»، **فصلنامه امایش سیاسی فضا**، زمستان، دوره سوم، شماره یک.

- مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، بهار، سال نهم، شماره اول.

- ملکی، محمد رضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹)، «چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، زمستان، سال هفدهم، شماره ۳ (۶۷).

- موسوی زاده، علیرضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸)، «جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **دانش نامه حقوق و سیاست**، بهار و تابستان، شماره یازدهم.

### ب: منابع لاتین

- Reinstein, Josh. (۲۰۲۰). *Titus, Trump and the Triumph of Israel: The Power of Faith Based Diplomacy*, Jerusalem: Gefen Publishing House.

- Thrall, Nathan. (۲۰۱۷). The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine, New York: Metropolitan Books.
- The Times of Israel )۲۰۱۹(. At UN, Abbas Threatens to Nix Agreements with Israel If West Bank land Annexed. September 26, at: <https://www.timesofisrael.com/at-un-abbas-threatens-to-nix-agreements-with-israel-if-west-bank-land-annexed/>.
- Mohammadzadeh Ebrahimi, F., Maleki, M. R., Emamjomeh Zadeh, S. J. )2018(. Obama's Middle Eastern Strategy in Theory and Practice, Tabriz: Author/SelfPublisher. (In Persian).
- Navon, Emmanuel. (۲۰۲۰). The Star and the Scepter: A Diplomatic History of Israel, Philadelphia: The Jewish Publication Society.
- Yan, (۲۰۱۹). Leadership and the Rise of Great Powers, New Jersey: Princeton University Press.
- Yaalon, Moshe and Friedman, leech (۲۰۱۸), “A Historic Oppourtunity for Normalize”, Foreign=Affairs, 23 June, at[https://www.researchgate.net/publication/337812665\\_Israel\\_and\\_the\\_Arab\\_States\\_A\\_Historic\\_Oppourtunity\\_to\\_Normalize\\_Relations](https://www.researchgate.net/publication/337812665_Israel_and_the_Arab_States_A_Historic_Oppourtunity_to_Normalize_Relations).

**The legal-political requirements of the threats of Middle Eastern influence of the Zionist regime and its impact on National-regional security of the Islamic Republic of Iran**

**Dr. Mohsen Jamshidi**

PhD in Political Science, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

**Yahya banihashemi**

PhD student in Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Maryam asghari**

Master of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

**Abstract:**

It seems that Israel's attempt to normalize relations with the Arabs and expand its influence in the Middle East region (Iran's periphery) is based on balancing threats, preventing regional influence and confrontation, and reducing the strength and strategic depth of the Islamic Republic. Iran in the national-regional environment. she is the one. In this research, a qualitative-interpretive method with a descriptive-analytical approach has been used. The findings of the research show that considering Israel's strategic-security alignment in the Middle East region with the United States of America and the value system of the Western alliance and the norms governing the international system and the identity-ideological contradictions of the Islamic Republic of Iran, despite the existence of the Israeli regime, any presence The increasing presence of Israel in Iran's security space in various political, military, economic, socio-cultural, technical and technological dimensions means the reduction of Iran's influence and power of influence, and it is naturally considered a threat to its national-regional security.

**Keywords:**

Threat balance, Ibrahim peace treaty, national-regional security, strategic depth, axis of influence.